

The ruling political structure and developments of the Daftar-E Tahkim Vahdat.

Abstract

Student organizations can be considered as an organization and group that are influenced by the political currents in a country. These organizations are able to shape the political, social and cultural activities in a society and on the other hand are influenced by these factors. According to the constructivist view in the field of social movement theorizing, the emergence and activity of student movements are closely related to the functioning of the political system. This movement is a reaction to the current situation in society and the structure and function of the government play a decisive role in the emergence, development and change of approaches of the student movement. Based on this, the purpose of this study is to investigate the effect of the ruling political structure and the performance of different governments in the Islamic Republic of Iran on the developments of the Office for the Consolidation of Unity. In this regard, the question arises as to how the political structure of the Islamic Republic and the movement of governments have affected the performance of the Office for the Consolidation of Unity? It is further hypothesized that the governing political structure determines the overall framework of the activities and performance of student movements, and the ruling governments, with the relative expansion of the governing space of the university environment, on the degree of freedom of action and the nature of student movements and consequently the office. Strengthening unity is effective. The present research is based on descriptive-analytical method and data collection has been done in a library method.

Keywords: Student movements, Office for Consolidation of Unity, Structure of the ruling regime, Cultural Revolution.

ساختار سیاسی حاکم و تحولات دفتر تحکیم وحدت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۳

۱ ناصر فرزنان فر*

۲ اکبر اشرفی

۳ مجتبی مقصودی

۴ علی دارابی

چکیده

تشکل‌های دانشجویی قادر هستند تا به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود در یک جامعه شکل دهند و از سویی دیگر نیز از این عوامل تأثیرپذیرند. مطابق با دیدگاه ساخت‌گرایان در حوزه نظریه‌پردازی جنبش‌های اجتماعی، ظهور و فعالیت جنبش‌های دانشجویی با عملکرد نظام سیاسی ارتباط تنگاتنگی دارد. این جنبش واکنشی به وضعیت موجود در جامعه است و ساختار و کارکرد دولت در پیدایش، تکوین و تغییر رویکردهای جنبش دانشجویی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بر این مبنا هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ساختار سیاسی حاکم و عملکرد دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران بر تحولات دفتر تحکیم وحدت می‌باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که ساختار سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی و استراتژی دولت‌ها، چگونه بر عملکرد دفتر تحکیم وحدت تأثیرگذار بوده‌اند؟ در ادامه این فرضیه مطرح می‌شود که ساختار سیاسی حاکم چارچوب کلی فعالیت و عملکرد جنبش‌های دانشجویی، را تعیین نموده و دولت‌های حاکم نیز با قبض و بسط نسبی فضای حاکم بر محیط دانشگاه، بر میزان آزادی عمل و ماهیت عملکرد جنبش‌های دانشجویی و به تبع آن دفتر تحکیم وحدت تأثیرگذار می‌باشند. پژوهش حاضر بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی است و گردآوری داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: جنبش‌های دانشجویی، دفتر تحکیم وحدت، ساختار نظام حاکم، انقلاب فرهنگی.

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول: naser.farzanfar@yahoo.com)

۲ اکبر اشرفی استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران (akbarashrafi552@gmail.com)

۳ مجتبی مقصودی دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران (maghsoodi42@yahoo.com)

۴ علی دارابی استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران (darabi_ali@yahoo.com)

در حوزه سرزمینی کشور ایران و ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی ماهیت و عملکرد جنبش‌های دانشجویی با کشورهای دیگر تا حدود زیادی متفاوت است. ایدئولوژی، آرمان و ارزش‌های اسلامی حاکم بر جامعه، نوع حکومت و جابجایی دولت‌ها، فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه و سایر موارد، همگی بر شکل دادن به ماهیت جنبش‌های دانشجویی و نوع عملکرد آنها تأثیرگذار می‌باشند. در همین راستا سؤال اصلی این است که ساختار سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی و استراتژی دولت‌های حاکم در قبال جنبش‌های دانشجویی، چگونه بر عملکرد دفتر تحکیم وحدت تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه این است که محدوده فعالیت مجاز جنبش‌های دانشجویی توسط ساختار نظام حاکم مشخص می‌شود و قبض و بسط فضای این چارچوب کلی تا حدود زیادی با استراتژی کلی و نوع نگاه دولت‌های حاکم به جنبش‌های دانشجویی تغییر می‌یابد. بنابراین ممکن است در مقاطعی جنبش‌های دانشجویی با آزادی عمل بیشتری برای فعالیت روبه‌رو شوند و در مقاطعی دیگر تحت فشار قرار بگیرند. مسلم است که عملکرد اصلاح‌طلب و نیز رادیکالیسم دانشجویان تا حدود زیادی به محیطی که در آن فعالیت می‌کنند بستگی دارد. اگر دولت‌ها به سمت اقتدارطلبی حرکت کنند رویکرد رادیکال در جنبش‌های دانشجویی برجسته می‌شود، و اگر دولت ماهیتی دموکراتیک بیابد، رویکرد جنبش‌های دانشجویی نیز به سمت اصلاح‌طلبی سوق پیدا می‌کند. بر این مبنا هدف پژوهش حاضر این است که عملکرد و تحولات تشکل دانشجویی دفتر تحکیم وحدت را مطابق با نظریه ساخت گرایان، در پرتو ساختار کلی نظام حاکم و جابجایی دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

۱- مباحث نظری: ساختار نظام حاکم و گفتمان‌های جنبش دانشجویی

از جمله نظریه‌های مختلف در مورد جنبش‌های دانشجویی می‌توان به نظریه هربرت مارکوزه^۵ اشاره کرد که با کارکردها و ویژگی‌هایی که برای جنبش دانشجویی در نظر می‌گیرد آن را عامل انقلابی و رهایی‌بخش می‌داند. همچنین می‌توان به نظریه یورگن هابرماس^۶ اشاره کرد. از نظر هابرماس حرکت جمعی و فراگیر جنبش دانشجویی یک عرصه سمبلیک در جامعه پدید می‌آورد که از طریق آن، عرصه عمومی نقد و بررسی که زیر فشار هژمونی دستگاه‌های تبلیغی، سیاسی و اقتصادی رسمی قرار دارد تا حدی فراخ می‌شود (سیف‌اللهی و فیروزی، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۲). نظریات دیگری مانند نظریه فرهنگ سیاسی نیز مطرح می‌باشد. در این نظریه وظیفه جنبش دانشجویی این است که با حرکت‌های جمعی و تکرار شعارهای خود به تدریج فرهنگ سیاسی جدیدی را در برابر فرهنگ رسمی موجود در جامعه ایجاد کند و با بیان مطالبات و نیازهای جدید جامعه، دولت را وادار به پذیرش آنها بکند (جلایی‌پور، ۱۳۸۹:

۱۸۵). نظریه‌های دیگری نیز وجود دارد، ولی آنچه در پژوهش حاضر مطرح است و بیشتر با جامعه ایرانی و تحولات جنبش دانشجویی در ایران همخوانی دارد تأکید بر دیدگاه ساخت‌گرایان در حوزه نظریه‌پردازی جنبش‌های اجتماعی است.

بدین ترتیب رهیافت کلی و اصلی به جنبش‌های دانشجویی در ایران، رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی با تأکید بر دیدگاه «ساخت‌گرایان» در حوزه نظریه‌پردازی جنبش‌های اجتماعی است که ترکیبی از نظریات نیل اسملسر^۱، چارلز تیلی^۲ و دیگران است که در چارچوب نظریه‌های «ساختار نظام و گفتمان‌های جنبش‌های اجتماعی»، به بررسی جنبش‌های اجتماعی پرداخته‌اند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). محورهای اساسی دیدگاه نظری که بر اساس آن به بررسی روابط حکومت و جنبش دانشجویی در ایران پرداخته شده عبارتست از: الف) ظهور و بروز جنبش‌های دانشجویی با عملکرد نظام سیاسی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ ب) ساخت و کارکرد دولت‌های اقتدار طلب (ساخت یک جانبه قدرت)

مهمترین عامل پیدایش، تکوین و گسترش رویکرد رادیکال در جنبش‌های دانشجویی است؛ ج) ساخت و کارکرد دولت‌های دموکراتیک (ساخت دوجانبه قدرت) مهمترین عامل و تعیین کننده رویکرد اصلاح‌طلبی در جنبش‌های دانشجویی است. اهدافی که جنبش دانشجویی پی‌گیری می‌کند عمدتاً در دو قالب اهداف «اصلاح‌طلبی» و «انقلابی» ملاحظه می‌شوند. جنبش‌های دانشجویی اصلاح‌طلب با پذیرش کلی نظام حاکم، سعی در اصلاح درونی اجزای آن نظام را دارند و لذا استراتژی و تاکتیک‌های این جنبش‌ها به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که منجر به اصلاح نظام شود. جنبش‌های دانشجویی رادیکال در وضعیتی پدید می‌آیند که دانشجویان امیدی به اصلاح امور ندارند و با نفی سیاست رسمی درصدد تغییرات مورد نظرشان هستند. در اجرای استراتژی تحول دولت، روشها و تاکتیکها به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که به هر طریق ممکن به دولت‌ها ضربه بزنند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

به طور کلی به میزانی که دانشجویان نظرات خود را بر تصمیم مسئولان و مردم مؤثر بدانند و فضای جامعه را مساعد برای فعالیت‌های خود تشخیص بدهند، در نتیجه رغبت بیشتری برای مشارکت اصلاح‌طلبانه و مسالمت‌آمیز خواهند داشت (پالیزبان، ۱۳۹۰: ۴۳)، عکس این مطلب نیز صادق است، یعنی که اگر دانشجویان فضا را برای فعالیت مسالمت‌آمیز خود مساعد ندانند و یا اینکه اینگونه تشخیص دهند که نظرات یا فعالیت‌هایشان در مسئولین حکومتی در مورد مسئله‌ای خاص تأثیری ندارد، روند مسالمت‌آمیز فعالیت‌هایشان به سمت اقدامات خشونت‌آمیز سوق داده می‌شود. با استفاده از این نظریه می‌توان تا حدود زیادی جنبش‌های دانشجویی ایران را مورد تبیین قرار داد. به نظر می‌رسد تحولات پر نوسان جنبش دانشجویی در دوره بعد از انقلاب تا حدود زیادی تحت تأثیر نوع دولت و ساختار حکومت باشد.

1- Smelser
2- Tilly

۲- شکل‌گیری دفتر تحکیم وحدت

پیرو تصمیم به شکل‌گیری انجمن‌های اسلامی دانشجویان، در تابستان ۱۳۵۸ ابتدا جلساتی با حضور نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران، ملی، صنعتی شریف، پلی تکنیک و علم و صنعت برگزار شد و شرکت کنندگان درباره کلیت ایجاد یک تشکل سراسری به توافق رسیدند. سپس با الهام از فرمایش رهبر انقلاب یعنی «بروید و تحکیم وحدت کنید» نامگذاری مشخص شد. وبا مشارکت همگانی، دفتر تحکیم وحدت را به عنوان هسته مرکزی تشکیلات خود پایه گذاری کردند. هدف از تأسیس «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور» یا همان «دفتر تحکیم وحدت»، ایجاد هماهنگی بین انجمن‌های اسلامی و انسجام در فعالیت‌ها به شمار می‌آمد. نام این تشکل برگرفته از توصیه امام خمینی مبتنی بر این بود که دانشجویان انجمن‌های اسلامی میان حوزه و دانشگاه «تحکیم وحدت» کنند. (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۸۴).

به طور کلی در جلسات بعدی توافقات دیگری درباره حدود و ثغور این تشکل حاصل شد و در نهایت مقرر شد که برای اینکه این تشکل از جریان‌های انحرافی موجود در جامعه مصون مانده و در تدوین برنامه و اساسنامه خود در مسیر تفکرات امام حرکت نماید، حضرت امام خمینی ملاقاتی ترتیب داد. این ملاقات صورت پذیرفت و امام تمام لیست پیشنهادی را تأیید کرده و انتخاب افراد را به آقایان خامنه‌ای و هاشمی محول کردند و در نهایت ترکیب ۵ نفره عبارت شدند از: آقایان خامنه‌ای، موسوی خوئینی‌ها، حسن حبیبی، بنی‌صدر و محمد مجتهد شبستری (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۸۵-۲۸۴).

۳- تأثیر ساختار سیاسی و تحولات سیاسی کشور بر عملکرد دفتر تحکیم وحدت

در این بخش، عملکرد تحکیم وحدت متأثر از شرایط سیاسی جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- دوره اول؛ ۱۳۶۰-۱۳۵۷

در این دوره، تکثری سیاسی اما بی‌قاعده، در سطح جامعه و دانشگاه وجود داشت. به گونه‌ای که ظرف چند سال اول، بیش از ۲۰۰ نشریه سیاسی منتشر شد. در این مرحله، حوزه سیاست و دانشگاه در هم آمیخته بود و محیط دانشگاه پرتشنج توصیف می‌شد (سفیری، ۱۳۷۹: ۹۹-۱۰۰). در این مقطع دفتر تحکیم وحدت، که تازه ایجاد شده بود، به عنوان محور هماهنگ کننده فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها یکی از اصلی‌ترین کانون‌های ترویج و اشاعه آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است (صالح، ۱۳۸۰: ۱۲). به طور کلی، دفتر تحکیم وحدت پس از شکل‌گیری کوشید تحقق عملی آرمان‌های امام و انقلاب را به طور جدی دنبال کند. دو نمونه از این موارد را می‌توان در تسخیر سفارت امریکا و انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بیان داشت.

۳-۱-۱- دفتر تحکیم وحدت و اشغال سفارت امریکا

عوامل مختلفی دست به دست هم داد تا منجر به اشغال سفارت امریکا شد. سرانجام، دانشجویان پیرو خط امام، که گرایش‌ها ضد امپریالیستی داشتند، سفارت را اشغال کردند تا اعتبار ضد امریکایی خود را نیز تثبیت کنند (Ayatollahi Tabaar, 2017: 665). سخنرانی امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ خطاب به دانش آموزان، طلاب و دانشجویان که از آنها خواسته بود بر فشار خود علیه امریکا بیفزایند، زمینه لازم را برای اقدام دفتر تحکیم وحدت و دانشجویان پیرو خط امام جهت تسخیر سفارت امریکا مهیا کرد. مبادرت به انجام این کار و حساسیت دفتر تحکیم وحدت نسبت به مواضع و مطالبات رهبری انقلاب، بیانگر نوع خط مشی و جهتگیری این دفتر در دهه نخست انقلاب است (کسرای وپوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۸۶). دفتر تحکیم وحدت پس از تسخیر سفارت امریکا بود که اعلام وجود کرد و جایگاه خود را به انقلابیون شناساند (هرسیج و حسینی، ۱۳۸۸: ۳۷۵). بدین ترتیب دفتر تحکیم وحدت به عنوان اولین اقدام اساسی و انقلابی خویش یکی از تاریخی‌ترین حرکات‌های انقلابی اسلامی را رقم زد و به نوعی انقلاب اسلامی رسماً به اعلام موضع در مقابل قدرت‌های بزرگ جهانی پرداخت.

در سال‌های اولیه پس از اشغال لانه جاسوسی، دفتر تحکیم با بهره‌گیری از موقعیت و اعتبار ناشی از اشغال لانه جاسوسی، نفوذ تقریباً بالایی در نهادهای انقلابی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی پیدا کرد و کوشید توان خود را صرف حفظ و توسعه انقلاب اسلامی و رفع عقب ماندگی ایران نماید. (کریمیان، ۱۳۸۱: ۱۱۹-۱۱۶).

۳-۱-۲- تحکیم وحدت و انقلاب فرهنگی

انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها از دیگر اقداماتی بود که دفتر تحکیم وحدت در آن نقش اساسی داشت. به هم ریختگی وضعیت مدیریتی دانشگاه‌ها از یک طرف و باقی ماندن برخی از بقایای نظام سابق در دانشگاه‌ها از طرف دیگر در کنار بحث لایحه استقلال دانشگاه‌ها و درگیری شدید داخل دانشگاه‌ها، همگی دست به دست هم داده و سبب به وجود آمدن برخی زرمه‌ها در بین دانشجویان مبنی بر تعطیل کردن دانشگاه‌ها برای سروسامان دادن به آنها و نصفیه شان از نیروهای ضد انقلاب به گوش می‌رسید، ولی به خاطر عدم آگاهی از نظر امام (ره) و ترس از مخالفت ایشان، در آن ایام عملیاتی نشد (قویدل معروفی و پورنجمی، ۱۳۸۵: ۸۳). علیرغم مخالفت اولیه حضرت امام خمینی (ره) با تعطیلی دانشگاه‌ها، در نوروز ۱۳۵۹ بیان داشته بود که باید در تمام دانشگاه‌های ایران انقلابی اساسی در جهت دگرگون ساختن نظام آموزشی دوران پهلوی صورت پذیرد. (کسرای وپوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۸۷). در اردیبهشت ۱۳۵۹ انجمن اسلامی با اتکا به ارتباطات و توافقات و مجوزهای درون حاکمیتی به عنوان متولی کل دانشجویان، حرکتی موسوم به «انقلاب فرهنگی» را سازمان دادند. امام خمینی کمیته ۷ نفره‌ای برای طراحی و تعیین سیاست‌های فرهنگی برای دانشگاه‌های ایران بر اساس فرهنگ اسلامی تعیین کرد. ستاد انقلاب فرهنگی نیز کمیته اسلامی سازی دانشگاه‌ها را تأسیس کرد که مسئول طراحی راهبردها و سیاست‌های اسلامی سازی دانشگاه‌ها

بود. حوزه اجرایی بر روی انتخاب و آموزش اساتید و دانشجویان مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی تمرکز کرد. کمیته انتخاب و گزینش استادان نیز ایجاد شد. مدرسه تربیت مدرس نیز توسط این کمیته ایجاد شد. همچنین برای جلوگیری از ورود دانشجویان مخالف نظام اسلامی، کمیته گزینش دانشجویان نیز شکل گرفت. اقدام دیگر کمیته انقلاب فرهنگی در مورد برنامه‌های درسی و محتوای کتب درسی بود. مرکز انتشارات علمی و دانشگاهی نیز شکل گرفت که هدف آن ترجمه و نوشتن کتاب‌هایی بود که مغایر با ایدئولوژی اسلامی نباشد. تغییرات عمده‌ای نیز در علوم انسانی و اجتماعی صورت گرفت (Golkar, 2012: 2). از جمله پیامدهای کوتاه مدت انقلاب فرهنگی تعطیلی دانشگاه به صورت موقت بود. نیروهای دولتی به بهانه «یک انقلاب فرهنگی» به دانشگاه‌ها حمله کردند و دانشگاه‌ها را برای یک دوره سه ساله تعطیل کردند (Mashayekhi, 2001: 288). همچنین از آن پس می‌بایست تمام تشکل‌های دانشجویی بر مبنای قانون و ایدئولوژی اسلامی عمل کنند. در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۵۸، وزارت کشور با صدور فرمانی «فعالیت کلیه گروه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها» را ممنوع و خواستار انطباق «فعالیت‌های فرهنگی توسط دانشجویان با مقررات دولت و دانشگاه شد (Mahdi, 1999: 9).

از جمله فعالیت‌هایی که در دوران انقلاب فرهنگی از سوی دفتر تحکیم وحدت صورت گرفت؛ فعالیت‌های عقیدتی و فکری این دفتر بود. این دفتر در طی ایام تعطیلی دانشگاه‌ها به برخی فعالیت‌های دیگری مشغول بود که عمده ترین آنها به شرح ذیل بودند:

- ۱- پشتیبانی از نهادهای انقلابی از طریق تأمین نیرو از طرف انجمن‌های اسلامی دانشجویان، طوری که بسیاری از نهادهای انقلابی توسط این نیروها اداره می‌شد؛ ۲- کارهای فکری، فرهنگی، مبنایی و تئوریک در راستای غنی سازی مبنای فکری نظام؛ ۳- سازماندهی نیروهای دانشگاهی برای حضور در جبهه‌ها؛ ۴- تشکیل شورای موقت برای اداره دانشگاه‌ها در زمان انقلاب فرهنگی و مشارکت در راه اندازی جهاد دانشگاهی؛ ۵- برگزاری در دوره نشست دانشجویان مسلمان کشورهای اسلامی؛ ۶- برگزاری جلسات متعدد در جهت تحکیم رابطه بین حوزه و دانشگاه (ر.ک به قوبدل معروفی و پورنجمی، ۱۳۸۵: ۸۵-۸۴).

در هر صورت انقلاب فرهنگی از جمله وقایعی بود که تأثیرات عمیقی بر تطور گفتمانی دفتر تحکیم وحدت داشته است. به طوریکه اعضای دفتر تحکیم وحدت فهم عمیقی از گفتمان اسلام ناب پیدا کرده و کاملاً سوژه این گفتمان شدند و تمامی گرایش‌ها و نگاه‌های روشنفکرانه خود را که خواسته یا ناخواسته در وجود آنها رسوخ پیدا کرده بود از دست دادند. به عنوان مثال، به تدریج که ارتباط دفتر تحکیم وحدت با فضاهاى روشنفکری کم شد و ارتباطات آنها با روحانیون، حوزه‌های علمیه و حتی خود قم زیاد شد و دوشادوش انقلابیون، و بالخصوص یاران امام در فرایند مبارزه وارد شده بودند، فهم آنها از مبنای گفتمان اسلامی و مرزهای دقیق و ظریف آن با سایر گفتمان‌های روشنفکری و روشنفکری دینی عمیق‌تر شد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۹۹).

۳-۱-۳- تحکیم وحدت و جنگ تحمیلی

هرچند دفتر تحکیم در سال‌های آغازین جنگ، به سازماندهی نیروهای دانشجویی دانشگاهی برای حضور در جبهه‌ها می‌پرداخت ولی رفته‌رفته در این دوره با توجه به این که دفتر تحکیم وحدت کم و بیش صدایی همسان و یا بعضاً رادیکال‌تر را در جامعه سر می‌داد، تأثیرگذاری و بازی کردن این نقش مهم از جانب حاکمیت امری پذیرفته شده بود به عنوان نمونه می‌توان تئوری جنگ همه جانبه را برای تأیید این مطلب بیان کرد. در بحبوحه ی جنگ با عراق، دفتر تحکیم وحدت طرحی را بیان می‌کند که در آن نه عراق بلکه آمریکا به عنوان دشمن اصلی شناخته می‌شود و به همین دلیل باید جنگ با عراق تمام شده و به سوی جنگ با شیطان بزرگ یعنی آمریکا میل پیدا کند. به همین دلیل، از اعلام مواضع دفتر تحکیم وحدت و لیست‌های انتخاباتی دفتر تحکیم وحدت در این دوره دفاع می‌شود (زندی، ۱۳۹۵: ۶۵).

۳-۲- دوره دوم: ۱۳۶۸-۱۳۶۰

در این دوره بخاطر جنگ، فضایی در دانشگاه شکل گرفت که فقط دانشجویان مسلمان معتقد به انقلاب اجازه فعالیت داشتند و این فعالیت تنها به دفتر تحکیم وحدت محدود می‌شد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۳۰۵). در این مدت تحکیم وحدت عمدتاً تحت لوای حزب جمهوری اسلامی و در طیف رادیکال‌های این حزب به فعالیت پرداخت تا اینکه حزب منحل شد و دفتر تحکیم مستقل گردید. دفتر تحکیم تا سال ۱۳۷۱ در دانشگاه‌ها بی‌رقیب بودند (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۷۳). فعالیت‌های سیاسی تحکیم وحدت در جریان انتخابات دوم مجلس شورای اسلامی پررنگ‌تر شد. دفتر تحکیم وحدت با اعمال نفوذ نیروهای سیاسی و اجرایی خارج از مجموعه، لیست انتخاباتی خود را ارائه نمود. جمعی از وزرا و اعضای کابینه میرحسین موسوی نیز با انتشار بیانیه‌ای از آن حمایت کردند (قویدل و پورنجمی، ۱۳۸۵: ۹۷).

در انتخابات مجلس سوم، دفتر تحکیم نقش پررنگی داشت و شاید قوی‌ترین تشکیلات پس از مجمع روحانیون مبارز، دفتر تحکیم بود با جذابیت‌ها و اثرگذاری‌هایی که بخصوص در آن زمان یک مجموعه دانشجویی می‌توانست داشته باشد. آن زمان امام (ره) صحبت‌هایی راجع به اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی داشتند و این جریان یک جنگ روانی گسترده‌ای را راه اندازی کردند و در فضای سیاسی کشور خودشان را اسلام ناب و جریان مقابلشان را اسلام آمریکایی معرفی کردند (فضائلی، ۱۳۹۱: ۲۲۷). از آن پس دفتر تحکیم به علت اینکه دولت نیز در دست نیروهای موافق بود، یکه تاز عرصه دانشگاه شد و در عرصه سیاست نیز فعالانه عمل می‌کرد. در واقع دفتر تحکیم از این پس پشتوانه‌ای محکم به لحاظ فکری و سیاسی به دست آورد و توانست در عرصه سیاسی- اجتماعی ایران به ویژه از نیمه دهه هفتاد به بعد حضور جدی‌تری از خود به نمایش بگذارد.

۳-۳- دوره سوم: ۱۳۷۶-۱۳۶۸

آنجا که دفتر تحکیم از ابتدای انقلاب در طیف چپ سستی دسته بندی می‌شد، تفکرات رادیکال و چپ‌گرایانه در سیاست و اقتصاد داشت. کابینه مهندس موسوی در دهه شصت به لحاظ اقتصادی معتقد به

اقتصاد دولت سالار و توزیع مساوی امکانات در بین مردم با سرکردگی دولت بود و این، با نظرات دفتر تحکیم وحدت همخوانی داشت، (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۹۰-۱۹۱). در عرصه عمل، آغاز دولت سازندگی، با بسته شدن فضای نقد، یکجانبه‌گرایی، سیاست‌زدایی از دانشگاه (با اعتراض شدید مقام معظم رهبری با جمله معروف «خدا لعنت کند کسانی را که نمی‌خواهند دانشگاه‌ها سیاسی باشد») و از سوی جنبه‌گیری جریان چپ علیه دولت همراه شد. دولت آقای هاشمی نیز با استفاده از این فرصت به گروه‌های مخالف تحکیم در دانشگاه‌ها پرو بال داد. کار بر تحکیمی‌ها سخت شد و با از دست دادن حمایت از خود در قوه قضائیه - که به مصادره دفتر تحکیم در خیابان خارگ (دانشگاه علوم قضایی فعلی) انجامید - گروه‌های بدیل که بیشتر وابسته به جناح راست بودند تنش‌هایی در کنش با تحکیم پیدا کردند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۸۰).

به طور کلی، از سال ۶۷ تا ۷۳ دوره تأکید بر عدالت اجتماعی است. فضا به شدت علیه جنبش دانشجویی است و دولت هاشمی هرگونه انتقاد را مانعی برای سازندگی می‌دانست. وضعیت کلی برخورد با جنبش دانشجویی به دو شکل است: سرکوب تشکل‌های رسمی وابسته به چپ، یعنی دفتر تحکیم وحدت و ایجاد تشکل‌های رسمی وابسته به جناح راست درون نظام از اواسط دهه ۱۳۷۰ شامل انجمن‌های اسلامی دانشجویی (گروه طبرزدی)، جامعه اسلامی دانشجویان و بسیج دانشجویی (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). اما کم‌کم دفتر تحکیم وحدت نیز نشانه‌هایی از تحول روشنفکری را در خود احساس کرد.

تغییر گفتمان تحکیم همچنان ذیل گفتمان انقلاب اسلامی به حیات خود ادامه داد. اعلام عدم حضور در انتخابات را می‌توان نخستین تقابل‌های آشکار تحکیم وحدت با حاکمیت برشمردند که در پایان دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد وجه غالب در این تشکل دانشجویی شد. مسئله عدم شرکت در انتخابات اسفند ۷۶ و در جریان انتخابات میان دوره‌ای مجلس نیز تکرار شد. در این دوره تحکیم در میانه راه تغییر بود، زیرا با وجود اعلام عدم حضور در پای صندوق‌های رأی با کسانی که در مقام اپوزیسیون، سیاست تحریم انتخابات را دنبال می‌کردند مرزبندی نمود. در حالی که در انتخابات مجلس هفتم در اسفند ۱۳۸۲ به طور رسمی انتخابات را تحریم کرد. پس از پشت سر گذاشتن یک دوره فترت، مطرح شدن کاندیداتوری سید محمد خاتمی برای انتخابات ریاست جمهوری هفتم رویشی تازه در دفتر تحکیم بود. این مقطع را می‌توان سرآغاز حرکتی جدید در جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت دانست که تا مرداد ۱۳۷۹ ادامه یافت. تحکیم وحدت در جریان انتخابات دوم خرداد ۷۶ توانست در فضای دانشگاهی و حتی فضای عمومی جامعه نسبت به حمایت از سید محمد خاتمی ایجاد انگیزه کند (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۹۴). نقش پر رنگ انجمن‌های اسلامی دانشجویان به مرکزیت دفتر تحکیم وحدت در پیروزی جناح چپ در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را می‌توان از مهمترین تأثیرات جریان دانشجویی در رقم خوردن تحولات سیاسی - اجتماعی ایران دانست. این مسئله به گونه‌ای حیاتی با وابستگی سنتی دفتر تحکیم به جناح چپ

و تغییرات فکری و سیاسی این جناح طی هشت سال حاکمیت دولت سازندگی (حرکت از چپ سستی به چپ اصلاح طلب) مرتبط بود (همان، ۱۹۰).

۳-۴- دوره چهارم: ۱۳۸۴-۱۳۷۶

در نیمه اول ریاست جمهوری خاتمی، جنبش دانشجویی و سازمان اصلی آن، دفتر تحکیم وحدت، یکی از اصلی‌ترین گروه‌هایی بود که اصلاح‌طلبان را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ یاری می‌کرد (Honari, 2018: 123). با آغاز به کار دولت خاتمی در خرداد ۱۳۷۶ و ایجاد فضای نسبتاً باز سیاسی، جنبش دانشجویی به عنوان نیروی پیشرو و تعیین‌کننده باعث تقویت و گسترش نهادهای جامعه مدنی و ایجاد فضای باز دموکراتیک شد (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). تحرک و فعالیت‌های سیاسی دانشجویان پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ افزایش داشته است (عنایتی شبکلاپی، ۱۳۷۸: ۴۰). با پیروزی چهره‌های اصلی و نواندیشان جناح چپ که به اصلاح‌طلبان مشهورند، جایگاه تحکیم وحدت در دانشگاه‌ها تقویت شد و به دلیل هواداری از نامزد پیروز دوم خرداد ۱۳۷۶، این دفتر توانست نقش خود در معادلات سیاسی را باز یابد (کریمی جونی، ۱۳۸۰: ۵۹). در دولت خاتمی دفتر تحکیم وحدت سعی بر پیشروی بیشتر در فضای سیاسی کشور داشت و به همین دلیل به صورت کامل نیز از جانب دولت مورد حمایت قرار می‌گرفت. تا اینکه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، دانشجویان در اعتراض به توقیف روزنامه سلام، تجمع کرده و پس از آن اعتراض، به کوی دانشگاه تهران حمله شد که با مرگ ۱ نفر و ۵ روز ناآرامی در پایتخت قضیه تمام شد و تنها برخوردی که با این قضیه صورت گرفت، محکومیت یک سرباز وظیفه به دلیل دزدیدن یک ریش تراش بود. این برخورد، با مسئله کوی منجر به رادیکال‌تر شدن جنبش دانشجویی و به تبع آن ضعیف‌تر شدن دولت اصلاحات شد و این تلقی نسبت به بسیاری از اصلاح‌طلبان ایجاد شد که جنبش دانشجویی، بیشتر به ابزاری برای اجرای دستورات احزاب بدل می‌شود (زندى، ۱۳۹۵: ۶۸). در این میان دفتر تحکیم وحدت برای نمایش توان و اراده خود از حرکت باز نایستاد و با تغییر جغرافیایی اجتماعات خویش از خیلانها به درون دانشگاه‌ها، نوعی تغییر تاکتیک را در فعالیت‌های سیاسی خویش به وجود آورد. با زندانی شدن برخی از دانشجویان، آن‌هم به اتهام براندازی، دفتر تحکیم وحدت دانست که از این پس، تغییر تاکتیک و یا حتی تغییر چهره فعالیت سیاسی نیز نمی‌تواند کارساز باشد (کریمی جونی، ۱۳۸۰: ۵۹).

دگرذیسی و تغییر گفتمان دفتر تحکیم وحدت از نیرویی به عنوان عامل نظام در دانشگاه به تشکلی معترض به نظام را می‌توان در بیانیه‌ها، شعارها و موضع‌گیری‌های سیاسی آن به وضوح مشاهده کرد (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). موضع تحکیم وحدت در این دوران سرانجام به زیان دولت اصلاحات خاتمی تمام شد و از «مدد به خاتمی» به «عبور از خاتمی» رسید. طیف مدرن (علامه) دفتر تحکیم موضعی تند و اعتراض‌آمیز نسبت به نظام اتخاذ کرد و خواهان بازنگری در مرام نامه تحکیم وحدت شد (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۹۵). طرح شعار عبور از خاتمی به دلیل سرخوردگی و دلسردی دانشجویان نسبت به خاتمی و اطلاع‌طلبان بود. زیرا دانشجویان از این دولت حمایت کرده بودند، ولی حمایت دولت

از دانشجویان ضعیف بود. در این مرحله اقتدارگرایان با زندانی کردن دانشجویان فعال و احضار آنها به کمیته‌های انضباطی، به مهار جنبش دانشجویی پرداختند (جلایی پور، ۱۳۸۱: ۳۳۳). این چالش دانشجویی در شرایطی جریان داشت که دولت خاتمی نمی‌توانست به طرز مؤثری خواسته‌های دانشجویان را در تقویت دموکراسی در ایران محقق کند. در چنین فضایی از سال ۱۳۸۰ به بعد تعدادی از دانشجویان از استراتژی عبور از خاتمی و عبور از اصلاح‌طلبی واقعاً موجود پیروی کردند (جلایی پور، ۱۳۸۹: ۱۹۷). همین مسئله نقش مهمی در بروز اختلاف و انشعاب از تحکیم وحدت داشت.

به طور کلی، دفتر تحکیم وحدت در این سالها با دو انشقاق مواجه شد، یکی در سال ۱۳۷۸ و بیرون رفتن سه انجمن از دفتر تحکیم وحدت و تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان مستقل و دیگری ایجاد دو طیف شیراز و علامه در سال ۱۳۸۱ و ایجاد دو اتحادیه مجزا از یکدیگر. این انشقاق، به خصوص انشقاق در سال ۱۳۸۱، ضربه تأثیرگذاری بر دفتر تحکیم وحدت وارد کرد و طیف علامه را به سوی رادیکالیسم بیشتر و طیف شیراز را به جناح راست سیاسی کشور بیشتر متمایل کرد.

اولین اعتراضات بعد از انشقاق دفتر تحکیم وحدت در سال ۱۳۸۱، اعتراض به حکم اعدام آقاجری بود که باعث به حاشیه رفتن طیف شیراز و نمود بیرونی دفتر تحکیم وحدت شد. بعد از این اتفاق، دفتر تحکیم وحدت سیاست تحریم انتخابات را در پیش گرفته و تفاوت‌های فکری بیشتری با اوایل انقلاب نشان داد. دفتر تحکیم وحدت که در ابتدای انقلاب، به بخشی از بدنه اجرایی حکومت بدل شده بود، برای اولین بار سیاست تحریم انتخاباتی را در پیش گرفت (زندى، ۱۳۹۵: ۶۸). مسئله دیگری که می‌بایست در مورد تحکیم وحدت در این دوره بیان شود، سهم خواهی از قدرت است (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

۳-۵- دوره پنجم: از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸

مسائلی که سال‌های گذشته در دانشگاه چون دانشگاه شریف و مسئله دفن شهدا و دانشگاه امیرکبیر و تهران رخ می‌دهد، تجلی زنده ای است که بازتاب رسانه ای پیدا کرده است. جلوگیری از پذیرش دانشجویان متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی در مقاطع تحصیلی دکترا، جلوگیری و سنگ اندازی در مسیر ورود اساتید هم‌نوی انقلاب اسلامی در هیأت علمی های دانشگاه‌ها، توزیع و تقسیم بودجه های پژوهشی و بورس های تحصیلی برای مخالفان و غیرمعتقدان به ارزش های دولت و ملت و برخورد و ممانعت از فعالیت جدی تشکل های خودی و مستقل دانشجویی و به انزوا بردن آنها در سال های گذشته و نمونه هایی از این دست نیاز به تدبیری جدی و اقدامی قاطع در ابعاد یک انقلاب فرهنگی دارد؛ تصفیه دانشگاه‌ها از عناصر غوغازیستی که حتی قانون اساسی کشور و مقدسات مردم را محترم نمی‌شمردند، چه در کسوت استاد و چه در لباس دانشجو (بذرافکن، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

فراهم آوردن زمینه ای که عناصر معتقد به جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی مراکز تصمیم سازی و پژوهشی را در قبضه خود در آورند. تصور این که یک نظام به مخالفان و بالاتر دشمنان خود توان

وامکان مالی و اقتصادی و سیاسی برای استفاده علیه خود را بدهد، تصویری بهت آور و ناامیدکننده است. در همین راستا پس از به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴، طیف لیبرال دفتر تحکیم وحدت به صراحت توسط دولت هدف قرار گرفت. ضمن اینکه طیف مذهبی تحکیم با مصوبه دولت، قانونی و فعال بود. دولت حتی اجازه برگزاری انتخابات برای طیف لیبرال دفتر را نمی داد. بدین ترتیب از برگزاری انتخابات برای کمیته مرکزی یا جلسات مانع به عمل آمد. ولی این انتخابات در نهایت خارج از دانشگاه برگزار شد.

در دوره احمدی نژاد یک نوع بحث انقلاب فرهنگی دیگری مطرح شد. تأسیس بسیج در دانشگاه‌ها برای احمدی نژاد و محافظه‌کاران در دوران پس از خاتمی مهم بوده است، زیرا آنها ابزاری اساسی برای به چالش کشیدن سلطه اصلاح‌طلبان بر دانشگاه‌ها و سرکوب مخالفت‌های دانشجویی هستند. گروه‌های دانشجویی در صورتی تحمل و پذیرفته می‌شدند که دولت آنها را تأیید کند و خلافاً ناشی از دفتر تحکیم وحدت را نیز بسیج پر کرد. در سال ۱۳۸۴، علیرضا رهایی، رئیس تازه منصوب شده پلی تکنیک، دستور انحلال دفتر انجمن اسلامی، گروه طرفدار اصلاحات را که هسته اصلی فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه بود، صادر کرد. در این سال‌ها تعداد زیادی استاد لیبرال مجبور به بازنشستگی شدند، تعداد زیادی دانشجو به دلیل فعالیت‌های سیاسی تعلیق شدند و به تعداد زیادی دانشجو نیز اخطار داده شد. در واقع این مسئله انقلاب فرهنگی دوم لقب گرفت، زیرا دانشگاه‌ها از عناصر لیبرال پاک‌سازی می‌شد. تعداد از دانشجویان بخاطر فعالیت‌های مخاطره‌آمیز امنیتی و سیاسی نیز ستاره‌دار شدند. هدف اقدامات سختگیرانه در این دوره، تنبیه و تهدید دانشجویان بود و آنها می‌توانستند با امضای نامه پشیمانی و یا تعهد اخلاقی و سیاسی دوباره به دانشگاه برگردند (Rivetti, 2012: 91). در واقع این توبه‌نامه‌ها این انگاره را به ذهن متبادر می‌کرد که دولت وقت، تمایل داشت دانشجو از مسئولیت آگاهی‌بخشی و مطالبه‌گری خویش شانه خالی کند و بار اجتماعی خویش را فروگذار کند. این به حاشیه رفتن دانشجو، سبب شده است که دانشجویان در اقدامی اعتراضی، در کنار مردم به دولت تدبیر و امید رأی دادند و زمینه‌های پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را فراهم آورند.

۳-۶- دوره ششم: از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲

دانشجویان در این بازه‌ی زمانی در اکثر عرصه‌ها به مخالفت با دولت می‌پرداختند، مخصوصاً بعد از انتخابات دور دوم که رقبای احمدی نژاد از نتایج انتخابات رضایت نداشته و ادعای تقلب را مطرح کردند جنبش سبز در سال ۱۳۸۸ در پاسخ به ادعای تقلب در انتخابات پس از انتخاب مجدد احمدی نژاد ظهور کرد، جمعی از دانشجویان حمایت خود را از جنبش سبز اعلام کردند. شماری از دانشجویان فعال در تجمعات و اغتشاشات ۸۸ به جرم برهم زدن نظم عمومی، تخریب بیت‌المال و خط‌گیری از سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، بازداشت و از فعالیت تعلیق شدند و در نتیجه، تشکل‌های دانشجویی همسو با جنبش سبز در دوره دوم احمدی نژاد (۱۳۸۸-۱۳۹۲) بنا به مصلحت و شرایط سیاسی حاکم، خط و مشی سکوت را

پیشه کردند (Honari, 2018: 128). در تقابل با این خط و مشی فعالیت‌های دانشجویی، گروه‌های موازی تشکل‌های دانشجویی مانند بسیج دانشجویی در این دوره فعالیت و حاکمیت خود را بر عرصه تشکل‌های دانشجویی گستراند. واقعیت این است که فعالیت‌های دانشجویی وقتی از قدرت سیاسی مستقل شود و به صورت خودمختار عمل کند می‌تواند به دموکراتیزه کردن یک جامعه کمک کند، ولی محدودیت‌های اقتدارگرایانه‌ای که از سوی حکومت اعمال می‌شود، می‌تواند جنبش‌های دانشجویی را به حاشیه بفرستد و آرمان‌های دموکراتیک آنها را به شکست مبدل کند (Rivetti & Cavatorta, 2014: 289). این مسئله در مورد تشکل‌های دانشجویی و بویژه دفتر تحکیم وحدت در دوره احمدی نژاد اتفاق افتاد.

۳-۷- دوره هفتم: از ۱۳۹۲ تاکنون

به طور کلی، شواهد نشان می‌دهد در دولت روحانی در همان ابتدا اعلام شد که وزارت علوم دیگر دانشجویان را به دلیل اعتقادات سیاسی یا شخصی آنها هدف قرار نمی‌دهد و اینکه دیگر دانشجوی ستاره‌دار وجود نخواهد داشت و اینکه یک کمیته ویژه در وزارتخانه برای بررسی این نوع پرونده‌ها ایجاد شده است. همچنین در شهریور ۱۳۹۲ اعلام شد دانشجویانی که به دلیل فعالیت سیاسی خود با محدودیت‌هایی از سوی دانشگاه‌ها روبرو شده‌اند مجاز به ادامه تحصیل هستند، اگرچه این تنها مربوط به دانشجویانی است که از سال ۱۳۸۹ با محدودیت‌هایی روبرو بوده‌اند. بیش از ۱۰ انجمن دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف که فعالیت‌های قبلی آنها به حالت تعلیق درآمده بود مجاز به از سرگیری فعالیت خود شدند. حداقل ۱۰ انجمن دانشجویی اضافی نیز برای اولین بار اجازه فعالیت را دریافت کردند. در این دوره کمیته‌های انضباطی مانند دوره قبل سخت‌گیرانه عمل نمی‌کنند و سیاست‌های سختگیرانه خود در زمینه تعلیق و پاکسازی دانشجویان معترض را کنار گذاشته‌اند. در ادامه باید گفت، طبق قانون انقلاب فرهنگی، دانشجویان می‌توانند به عنوان یک هیئت سیاسی فقط در انجمن‌هایی با پسوند «اسلامی» جمع شوند. انجمن‌های اسلامی دانشجویی دوباره فعال شده‌اند و دانشجویان فعال دانشگاه‌های ایران شبکه‌ها و وبسایت‌های غیررسمی برای سازماندهی فعالیت‌های جمعی خود ایجاد کرده‌اند. بنابراین در مقایسه با دوره قبلی، این دوره تشکل‌ها و جنبش‌های دانشجویی در وضعیت بهتری به سر می‌برند. Immigration and (Refugee Board of Canada, 2017).

نتیجه‌گیری

جنبش دانشجویی در ایران بعد از انقلاب اسلامی به شدت تحت تأثیر ساختار نظام سیاسی و عملکرد سیاسی دولت‌های مستقر بوده است. اولین موردی که در این مسیر مهم به نظر می‌رسد انقلاب فرهنگی است. به دلیل جو مغشوش و متشنجی که گروه‌های مختلف با مرام و مسلک‌های گوناگون، در سطح جامعه و مخصوصاً دانشگاه به راه انداخته بودند، فرمان انقلاب فرهنگی و اسلامی سازی دانشگاه صادر

شد. این مسئله باعث ایجاد تشکلهای و از آن به بعد جنبشهای دانشجویی ای شد که همراستا با ارزشها و آرمانهای انقلاب بودند. به این معنا سایر تشکلهای دانشجویی مجوز فعالیت پیدا نکردند. دفتر تحکیم وحدت نیز به این دلیل که در انقلاب فرهنگی نقش ویژه ای داشت، از آن به بعد به مهمترین تشکل دانشجویی کشور مبدل شد، به طوری که انحصارطلبی از ویژگیهای بارز این تشکل دانشجویی محسوب می شود. بدین ترتیب این ایدئولوژی اسلامی است که بیشترین تأثیر را بر عملکرد دفتر تحکیم وحدت و سایر جنبشهای دانشجویی در ایران بعد از انقلاب داشته است. همچنین دولت‌های مختلف با توجه به سیاست‌های کلی خود باعث حمایت از جنبش‌های اجتماعی خاص خود شده و در طرف مقابل حمایت جنبش‌های دانشجویی خاصی را به خود جلب کرده و از این منظر جنبش‌های دانشجویی رقیب یکدیگر محسوب شده و سعی در محدود کردن یکدیگر می‌کنند. در هر صورت دفتر تحکیم وحدت در اوایل انقلاب حامی ایدئولوژی و ارزش‌های انقلاب بود، در مراحل بعد، بویژه در دوره بعد از جنگ، سعی در تعامل با دولت، و حتی در مواقعی حلت تقابلی با دولت و حاکمیت پیدا کرد. با توجه به اینکه جنبش‌های دانشجویی آئینه تمام‌نمای تحولات جامعه است، تعامل یا تقابل آن با دولت یا حکومت نیز واکنشی به سیاست‌های دولت است. اما واقعاً چگونه می‌توان جنبش دانشجویی را از حالت «تقابل طلبی» به «تعامل طلبی» تبدیل کرد؟ به نظر می‌رسد، اولین نکته آموزش باشد؛ زیرا جنبش دانشجویی باید فرهنگ سیاسی مشارکتی که لازمه آن عقلانیت مفاهمه‌ای است را بیاموزد و آن را به عنوان آموزش درون سازمانی جنبش، نهادینه کند؛ دومین نکته لازم، داشتن اندیشه راهبری و دکرین مؤثر است؛ سومین نکته داشتن برنامه مدون است تا در راستای دکرین و تئوری، به شکل مرحله‌ای و سازمان یافته با دولت مردان به گفت و گو و «تعاطی برنامه و اندیشه» بنشینند. پیشنهاد می‌شود از نخبه‌پروری به عنوان فرصتی برای مدیریت و تقویت تشکلهای دانشجویی در زمینه گفت‌وگوهای سیاسی، مطالبه‌گری‌های اجتماعی، ارتباطات میان فردی، و استفاده شود که علاوه بر تقویت مهارت‌ها، تجربه اندوزی در محیط‌های اجتماعی به تعمیق فهم و اندیشه کمک می‌کند. تشکیل فراکسیون و اتحادیه‌های کاری در تشکلهای چه بسا آغازی برای تشکیل تیم‌هایی برای فعالیت فرهنگی، اجتماعی، علمی، سیاسی و مانند آن باشد. در هدایت و مدیریت تشکلهای دانشجویی بایستی از ابزارهای مدیریتی، برنامه‌ریزی‌های مدون و راهبردهای بنیادین در جهت تحرک و کارایی آنها بهره برد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- بذرافکن، مجید (۱۳۸۹). سوم تیر و انقلاب فرهنگی دوم، گاهنامه برداشت اول، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۱۳۶-۱۳۴.

- پالیزبان، محسن (۱۳۹۰)، «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲، صص ۳۳-۴۹.
- پوزش‌شیرازی، علی (۱۳۸۷). مطالعه‌ی علل تغییر کفتمان بخشی از دفتر تحکیم وحدت از همراهی با نظام به تعارض با آن (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «فهم جنبش دانشجویی در ایران با تأکید بر فعالیت‌های دانشجویی در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۳، صص ۱۷۹-۲۱۳.
- زندی، محمدمبین (۱۳۹۵)، جنبش دانشجویی در ایران: مطالعه‌ای از منظر تحولات نسلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی ابوالفضل دلاوری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سجادی، سید فرهاد (۱۳۹۴)، «دولت، دانشگاه و جنبش دانشجویی در جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۸۴-۱۳۵۷»، مطالعات سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۷۲-۱۵۱.
- سفیری، مسعود (۱۳۷۹)، دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی ایران، تهران: نشر نی.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱، صص ۷۷-۵۹.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله، فیروزی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، «بررسی نقش جنبش دانشجویی در توسعه حوزه عمومی جامعه ایران بین سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۸۵ شمسی»، مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۱۰.
- شهبازی، محمدصادق (۱۳۸۹)، «بررسی فراز و فرود جنبش دانشجویی در جمهوری اسلامی ایران»، نشریه زمانه، شماره ۸۸ و ۸۹، صص ۸۳-۸۰.
- صالح، سیدمحسن (۱۳۸۰)، روایت دگردیسی؛ بازخوانی گفتمان دفتر تحکیم وحدت در دو دهه گذشته (۱۳۸۰-۱۳۶۰)، قم: انتشارات وثوق.
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸)، کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران؛ ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، تهران: آزادی‌اندیشه.
- عنایتی شبکلائی، علی (۱۳۷۸)، «بحران‌های گذشته و چالش‌های فراروی جنبش دانشجویی»، کتاب ماه علوم اجتماعی، مرداد و شهریور، صص ۳۹-۴۲.
- فضائی، مهدی (۱۳۹۱). جامعه اسلامی دانشجویان، حاصل استبداد دفتر تحکیم بود، (مصاحبه)؛ تاریخ شفاهی جنبش دانشجویان مسلمان، به همت محمدحسین روزی‌طلب و امیرحسین ثابتی منفرد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قویدل معروفی، حسین و پورنجمی، مجید (۱۳۸۵)، تاریخ جنبش دانشجویی ایران؛ دفتر تحکیم وحدت ۱۳۸۰-۱۳۸۵، تهران: انتشارات نجم‌الهدی.
- کریمی‌جونئی، نادر (۱۳۸۰)، «جنبش دانشجویی ایران؛ اضمحلال، دودستگی یا موجودیت ویرینی»، مجله گزارش، شماره ۱۲۷، صص ۶۲-۵۷.
- کریمیان، علیرضا (۱۳۸۱)، جنبش دانشجویی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- کسرابی، محمد سالار، پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸)، «مطالعه سیر تغییر در دفتر تحکیم وحدت (۱۳۵۸-۱۳۷۶)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۲۰۰-۱۷۵.
- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۸۸)، «تطور گفتمانی دفتر تحکیم وحدت»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هرسیج، حسین، حسینی، مطهره (۱۳۸۸)، «شکلگیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳، صص ۳۸۳-۳۶۱.

منابع انگلیسی

- Ayatollahi Tabaar, Mohammad (2017), "Causes of the US Hostage Crisis in Iran: The Untold Account of the Communist Threat", journal Security Studies, Vol. 26, No. 4, pp: 665-697.
- Canada: Immigration and Refugee Board of Canada (2017), "Iran: Student protests, including treatment of protestors by authorities (2013-January2017)", 16 January 2017, IRN105716.E, available at: Error! Hyperlink reference not valid.Golkar, Saeid (2012), "Cultural Engineering Under Authoritarian Regimes: Islamization of Universities in Postrevolutionary Iran", Digest of Middle East Studies, Vol. 21, No. 1, pp: 1-23.
- Honari, ali (2018), Struggles for Revival: "The Iranian Student Movement under the 'Moderate' Government, 2013-2017", Human Rights and Agents of Change in Iran,
- Mashayekhi, Mehrdad (2001), "The Revival of the Student Movement in Post-Revolutionary Iran", International Journal of Politics, Culture, and Society, Vol. 15, No. 2, pp: 288-313.
- Rivetti, Paola & Cavatorta, Francesco (2014), "Iranian student activism between authoritarianism and democratization: patterns of conflict and cooperation between the Office for the Strengthening of Unity and the regime", Journal Democratization, Vol. 21, No. 2, pp: 289-310.
- Rivetti, Paola (2012), "student movements in the Islamic republic: shaping Iran's politics through the campus", available at: <http://doras.dcu.ie.pdf>.